



در مورد تاریخچه عقب ماندگی ذهنی باید گفت این پدیده قدمتی همپای تاریخ بشر دارد. چه از همان آغاز پیدایش انسان، عوارضی از قبیل اشکالات ژنتیک، اختلالات دوره جنینی اشکالات زایمان، بیماریهای بدو تولد و غیره، چنین معلولیتی را ایجاد میکردند.

درباره تاریخچه طرز تفکر افراد عادی نسبت به عقب ماندگان ذهنی نیز شواهد علمی زیادی در دسترس نیست. چیزیکه تا حدی مشخص است اینکه این چنین افراد در گذشته کمتر مورد توجه بوده اند. فقط در برخی نوشته های دینی و پزشکی به چنین افرادی اشاره شده است.

"بقراط" حکیم یونانی به ضایعات مغزی این افراد و ارتباط این نقیصه ها با کمبودهای هوشی اشاره میکند.

در قوانین "اسپارت" موادی گنجانده شده بود که کشتن واز بین بردن معلولین از جمله عقب ماندگان ذهنی را مجاز و حتی لازم تشخیص داده بودند.

تاریخچه عقب ماندگی ذهنی

عباس داووش

عقب مانده ذهنی به نحو بارزتری جلب توجه نموده این پدیده از یک دید علمی مورد پیگیری قرار گیرد. در حال حاضر در اکثر جوامع و ملل این چنین کودکانی در شرایط خاص نگهداری شده، در صورت امکان (با توجه به نوع نقیصه و یامیزان عقب افتادگی ذهنی) تحت آموزش و توانبخشی قرار میگیرند.

باید توجه داشت که در عصر حاضر نیز نوع نگرش در مورد کودکان عقب مانده ذهنی در جوامع مختلف متفاوت است. مثلاً "پرل اس. باک" نویسنده شهیر آمریکایی

که خود یک دختر عقب مانده ذهنی دارد، وقتی از خاطراتش در زمانی که در کشور "چین" بوده یاد میکند اشاره‌ای دارد به اینکه در آنجا چنین افرادی خیلی با ملاحظت و احترام نگهداری میشدند و تا آخر عمر بدون کوچکترین ناراحتی از آنان پرستاری بعمل می‌آمد. هیچکس نظر ترحم و دلسوزی ابراز نکرده و بهر حال شخص یا کودک را چون فردی عادی میپذیرفتند. همین خانم نویسنده در ادامه گفتارش مینویسد: من و دخترم (منظور کودک عقب مانده‌است)

در چنان محیطی بهیچوجه احساس ناراحتی نمی‌کردیم. ولی به مجردی که وارد خاک آمریکا شدیم نگاههای ترحم آمیز، تعارفهای بیجا و دور از ذهن، همدردیهای احمقانه و خلاصه دلسوزیهای ناشیانه از دخترم، آنچنان در من اثر بد گذاشته بود که بی‌اختیار نسبت به دخترم و خودم احساس ترحم شدید میکردم. (۴)

حال بد نیست نظری کوتاه به تاریخچه توجه به عقب ماندگان ذهنی در ایران بیافکنیم. همانطور که قبلاً ذکر شد، دین "زرتشت" در ردیف اولین ادیانی است که کمک، ملاحظت و همراهی به عقب ماندگان ذهنی را عنوان میکند

در "آسیا" برخلاف "اروپا" این افراد بیشتر مورد توجه و لطف بوده‌اند. در آئین "کنفسیوس" معلم چینی و همینطور در دین پیامبر ایرانی "زرتشت" به روشنی خواسته شده است که مردم با عقب مانده‌های ذهنی، رفتاری انسانی داشته باشند. و نیز در دین "یهود" مسئولیت جرم و جنایت از عقب مانده‌های ذهنی برداشته شده است. در دین‌مبین "اسلام" نیز طی اشارات مکرر در کتاب آسمانی و همچنین سخنان پیامبر بزرگوار و ائمه اطهار به توصیه‌هایی در زمینه ملاحظت و همیاری با معلولان برمیخوریم.

در اروپای قرون وسطی، عقب مانده‌های ذهنی را همیای دیوانگان محسوب داشته معتقد بودند که شیطان در جسم آنها حلول کرده است.

اقدامات "پینل" (۱) پزشک فرانسوی در قرن ۱۸ در جهت جداسازی بیماران روانی از مجرمان و بدکارها و باز کردن غل و زنجیر از پای آنان و همچنین تجربیات "ایتار" (۲) پزشک فرانسوی قرن ۱۹ از تربیت کودکی وحشی بنام "ویکتور" زیر بنای توجه و نگرشی علمی به پدیده عقب ماندگی ذهنی گردید.

در اواسط قرن بیستم، بررسی عمیق و همه جانبه در زمینه عقب ماندگی ذهنی، شکوفایی یافت. بنظر میرسد به همانگونه که تولد و گسترش هر علم بستگی نام به نیازهای بنیادی جامعه دارد، اهمیت دادن به این مهم و توجه به مسئله عقب ماندگان ذهنی نیز بر همین اساس گسترش یافت. نیازمیرم به پیشرفت علوم تجربی از یکسو و توجه زیاد به علوم انسانی و از جمله روانشناسی و خصوصاً "روانشناسی کودک و بالاخره فعالیت‌های آلفرد بینه" (۳) در زمینه ساختن اولین آزمون هوشی و نشان دادن اختلافات هوشی بین انسانها از دیگر سو، موجب گردید تا قشر

ب : پیشرفت تکنولوژی و گرایش به تخصصها که موجب شد هر فرد برای داشتن شغلی مناسب در جامعه تخصصی را احراز نماید که این خود عقب ماندگان ذهنی را بعنوان افرادی فاقد توانائی در کسب تخصص معرفی نمود. نمونه بارز این مدعا آنکه در حال حاضر در محیط روستاها که انجام امور به حداقل تخصص نیازمند است، عقب ماندگان ذهنی در حد متوسط کمتر بعنوان ناتوان مطرح میباشند.

ج : گرایش اجتناب ناپذیر بسوی جامعه شهری از جوامع روستائی که این خود موجب شد شکل خانواده از حالت گسترده که از خصوصیات جوامع روستائی بوده و میتوانست این چنین افرادی را بر اساس عواطف فامیلی در خود جای دهد، جای خود را به سیستم خانواده هسته‌ای که فقط شامل زن و شوهر و حداقل کودکی با حداقل فضای زندگی بدهد که ضرورتاً در یک چنین وضعیت، جایی برای نگهداری یکفر معلول ذهنی در محیط خانواده کمتر به چشم میخورد.

د : تحول نه چندان پیشرفته علم پزشکی که موجب گردید بسیاری از کودکان ضعیف الحال، در موقع تولد ویادر بدو طفولیت از مرگ نجات یابند. ولی تاکنون قدمی جدی در مورد کاهش و از بین بردن عواقب و معلولیت‌های ناشی از اشکالات مادرزادی، موقع تولد، اوان طفولیت و... برادشته نشده است.



و دین "اسلام" با فرامین آسمانیش در این زمینه مکمل تمام توصیه‌هایی بوده است که سایر ادیان در گذشته در این مورد اشاره نموده بودند از آن زمانها تا حدود چند دهه اخیر هیچگونه اقدام اجتماعی در جهت کمک به این گروه از افراد جامعه در ایران صورت نگرفته بود از حدود سی سال قبل با تشکیل اولین مدرسه بنام "مرکز تربیت و هدایت روانی کودک" "تدریجا" توجه و حمایت از معلولین در ایران بطور رسمی نضج گرفت و متعاقباً با تشکیل سازمانهایی چون "انجمن ملی حمایت کودکان"، "انجمن توانبخشی ایران"، "انجمن حمایت از عقب ماندگان ذهنی" و... همچنین بخشی از فعالیت‌های "وزارت آموزش و پرورش"، سعی شد تا هر چه بیشتر به مسائل کودکان معلول ذهنی و نابهنجار توجه گردد.

اخیراً از بعد از انقلاب، با ادغام و یکپارچه شدن این سازمان‌های متفرق تحت یک پوشش بنام "سازمان بهزیستی کشور" سعی گردید تا پس از حذف برنامه‌های ظاهر فریبانه و جایگزین نمودن یک برنامه واحد بمنظور سرویس دهی هر چه بهتر به معلولان جامعه، اقدامات عملی و مفیدی بمورد اجراء در آید.

مواردی که موجب توجه هرچه بیشتر به مسئله عقب ماندگان ذهنی در قرن اخیر گردید :

الف : توجه عمیق به علوم انسانی و مطالعه روی افراد انسانی و پیدایش علم روانشناسی و در نهایت تهیه انواع آزمونهای هوشی که موجب گردید بر اساس آن عقب ماندگان ذهنی به نحوی روشنتر از افراد عادی جامعه متمایز گردند.

میشود .

بنابه تعریف " سازمان بهداشت جهانی " (۷) :
عقب ماندگی ذهنی عبارتست از رشد ناقص یا متوقف شده ذهنی (غیر از عقب ماندگی ذهنی شدید) که شامل عقب ماندگی هوشی بوده و به نحو و درجهای است که حساس یا ملزم به درمان طبی یا سایر مراقبتها و تعلیمات مخصوص بیمار است . عقب ماندگی ذهنی شدید نیز دارای تعریف فوق الذکر بوده ، منتها این اشخاص قادر به زندگی مستقل یا حفاظت خود علیه استعمار و استثمار نبوده و یا در سنی که باید این خصوصیات را دارا باشند ناتوان خواهند بود .

بنابه تعریف " انجمن تحقیقاتی عقب ماندگی ذهنی آمریکا " (۸) :

کند ذهنی عبارتست از کنش نامتعادل ذهن که بر اثر اختلالاتی در رشد طی دوره های مختلف حاصل میشود و باناسازگاری اجتماعی و بروز رفتارهای نامناسب ، معین و مشخص می گردد .

رفتار سازگارانه از سه طریق عمده آشکار میگردد

الف . بلوغ (به رشد رسیدن) : طی مراحل رشد که شامل کسب مهارتهای لازم در خود کفائی از مرحله نوزادی و مراحل اولیه کودکی مانند نشستن ، ایستادن ، خزیدن و رفتارهای دیگر می گردد .

ب . یادگیری : بدست آوردن آگاهی بوسیله انجام اعمالی که از راه تجربه کسب می گردد .

ج . سازگاری اجتماعی : طرز رفتاری که کودک بوسیله آن در دوران قبل از دبستان و دبستان در ابعاد گستردهای با همسالان ، والدین و دیگر

تعریف عقب ماندگی ذهنی

تاکنون در هیچیک از کتابهایی که در مورد عقب ماندگان ذهنی نوشته شده است تعریف جامع و کاملی که مورد تایید همه یا اکثریت متخصصین فن باشد ذکر نشده است و این مسئله بیشتر بخاطر پیچیدگی ماهیت عقب ماندگی ذهنی است . نمیتوان عقب ماندگی ذهنی را بصورت یک پدیده مطلق تعریف کرد ، بلکه بایستی عقب ماندگی ذهنی را بعنوان پدیده ای چند وجهی که وجوه مختلف آن به فیزیولوژی ، روانشناسی ، پزشکی ، تعلیم و تربیت و جامعه شناسی محدود میگردد ، مورد بررسی قرارداد .
قبلا " سعی خواهد شد چند تعریف از عقب ماندگی ذهنی که در دنیا بیشتر متداول بوده و تایید گروه بیشتری را بهمراه دارد ذکر گردد . طبق تعریف " تردگلد " (۵) محقق آمریکائی :
عقب ماندگی ذهنی عبارتست از رشد ناقصی ذهنی که شخص را در تطابق با سازش با محیط خود ناتوان ساخته ، بطوریکه بدون نظارت و کمک غیر قادر به زندگی نمیشود .

بنا به تعریف " ریک هبر " (۶) یکی دیگر از محققین در این زمینه :

عقب ماندگی ذهنی عبارتست از فعالیست عمومی ذهنی که پائین تر از حد طبیعی (عادی) باشد (در مورد فردی صدق میکند که از نظر عملی در انجام آزمونهای عینی متناسب که در زمینه توانائیهای عمومی ذهن صورت میگیرند یک انحراف استاندارد پائین تر از میانگین کل گروه در یک آزمون هوشی استاندارد شده باشد) که در دوران رشد موجب میگردد و باعث بوجود آمدن اختلال در جهت قبول رفتار سازگارانه